گفت‌وگوی پاسارگاد با مردی که به کرونا مبتلا شده است

تنهایی؛ درد خانواده‌های کرونایی

تصویر تزئینی است./ عکس: معصومه بهرامی | پروژه ممات

نجمه محمودآبادی

سلمان یک هفته است که از بیمارستان مرخص شده و حالا در خانه دوران نقاهت را سپری می‌کند، در کنار مرضیه و دو دخترشان. خانه سلمان و مرضیه در به حیاط است. از من خواسته‌اند با خودم یک چهارپایه ببرم تا بتوانم رویش بنشینم. در را مرضیه باز می‌کند. اصرار دارد به هیچ چیز دست نزنم؛ نه به در خانه، نه به ماشین سلمان که همان جا روی حیاط پر از گل خانه پارک است. من چهارپایه را می‌گذارم پشت در خانه. سلمان آمده است روی حیاط. سلام و احوال‌پرسی می‌کند. خسته به نظر می‌رسد با این همه روحیه‌اش قوی است. می‌نشیند روی صندلی که با خودش آورده است، جلوی در هال. ۴ متر فاصله‌ی ماست. سلمان و مرضیه هر دو ماسک دارند. مرتب به من یادآوری می‌کنند: «به هیچی دست نزنید که خدای نکرده مریض بشین.» از بس که سلمان و مرضیه نگران من هستند، من شرمنده و خجالت‌زده می‌شوم. مرضیه اصرار می‌کند: «به دستاتون الکل بزنید... بزنید... زیاد بزنید.» هر چند دقیقه یک بار، با هر جمله‌ای که می‌گوییم بدون اینکه من دست به هیچ جا بزنم مرضیه اصرار می‌کند الکل بزنم. مرضیه در دستانش یک اسپری الکل دارد. مرضیه دچار وسواس شده است.

آفتاب داغ خرداد می‌تابد. با اینکه عصر است و در سایه‌نشسته‌ام، عرق می‌ریزم. مرضیه عذرخواهی می‌کند: «ببخشید نمی‌تونم ازتون پذیرایی کنم. ببخشید نمی‌تونم تعارف کنم بیایید تو.» من تشکر می‌کنم. مهربانی‌های مرضیه باد خنکی می‌شود و به صورتم می‌وزد. دیگر گرم نیست

سلمان نمی‌داند چطور مبتلا به کرونا شده است: «من آنچه را که در تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی درباره رعایت بهداشت گفته می‌شد، انجام می‌دادم. مثلا مرتب دستانم را می‌شستم و دست به صورتم نمی‌زدم. خودم فکر می‌کنم دلیل ابتلایم رعایت نکردن فاصله‌ی اجتماعی بود و از راه تنفس مبتلا شدم. چون من ماسک نمی‌زدم.» سلمان ادامه می‌دهد: «اولش با سردرد شروع شد. سردردهای من عادی بود. در هفته چندبار سردرد می‌شدم. برای همین اصلا فکر نکردم که اتفاق جدیدی افتاده است و من به بیمار شدم. بعد خارش گلو و حالت تهوع و بی‌حالی هم اضافه شد. حالت تهوع فقط داشتم اما بالا نمی‌آوردم. به پزشک عمومی مراجعه کردم و تشخیص اولیه پزشک عفونت سینوس‌ها بود. برایم آزمایش خون نوشت. وقتی به آزمایشگاه مراجعه کردم پرسیدم آیا آزمایش کرونا هم نوشته شده است و متصدی آزمایشگاه گفت بله. جواب آزمایش خون اندکی عفونت را نشان داد و جواب آزمایش خون درباره کرونا منفی اعلام شد. منم حسابی خیالم راحت شد که کرونا ندارم».

مرضیه با فاصله‌ی یک متری ایستاده است کنار سلمان. چشم دوخته است به او و آماده است اگر کمک بخواهد، کمکش کند. سلمان اما روبه‌راه است و حرف می‌زند: «پزشک برایم سرم و دارو تجویز کرد. سرم‌ها را که می‌زدم تا چند ساعت حالم خوب بود. آن‌قدر که کارهای کشاورزی باغم را هم انجام می‌دادم. اما روز به روز حالم بدتر و بی‌حال‌تر و بی‌اشتهاتر می‌شدم. آخری‌ها از غذا خوردن افتاده بودم و کف دستانم سفید سفید شده بود.» سلمان نفس تازه می‌کند: «۱۰، ۱۲ روز بود که مریض شده بودم. این بار به پزشک متخصص بیماری‌های عفونی؛ دکتر امجدی مراجعه کردم. دکتر برایم سی‌تی‌اسکن نوشت. گفت اول باید مطمئن شویم که کرونا نیست. دکتر امجدی گفت که اصلا بیماری کرونا با آزمایش خون قابل تشخیص نیست. در سی‌تی‌اسکن مشخص شد که ریه‌ام دچار عفونت شده است. همان شب دکترنامه بستری داد و من به بیمارستان رفتم. در بیمارستان ازم نمونه‌گیری برای تست کرونا از راه گلو انجام دادند و روز بعد جواب آزمایش کرونا مثبت اعلام شد.» سلمان خودش را روی صندلی‌اش جابه‌جا می‌کند. حالا کم‌کم اندکی شانه‌هایش خمیده می‌شوند. خسته‌تر شده است: «مهم‌ترین موضوع در بیماری کرونا تشخیص به موقع بیماری است. من فکر می‌کردم اگر کرونا داشته باشم، باید سرفه کنم یا مثلا عطسه و حالت بیماری سرماخوردگی داشته باشم. اما در من هیچ یک از علایمی که درباره بیماری کرونا می‌گویند، وجود نداشت. من فقط سردرد بودم و بی‌اشتها. سرم که می‌زدم حالم خوب می‌شد و اثر دارو که از بین می‌رفت دوباره بدحال. روز آخر قبل از اینکه در بیمارستان بستری شوم، سوییچ ماشینم از دستم افتاد، خم شدم از روی زمین سوییچ ماشینم را بردارم، دیگر نفسم بالا نمی‌آمد. نمی‌تونستم نفس بکشم.»

سلمان ادامه می‌دهد: «درمانم با دریافت داروهای آنتی‌بیوتیک شروع شد. حدود ۵ روز بستری بودم و اکسیژن خونم که درحد نرمال شد از بیمارستان مرخص شدم. این روزها در خانه استراحت می‌کنم و غذای مقوی می‌خورم. روزی باید حتما ۲ گوجه پخته شده و مویز مصرف کنم و خدا را شکر حالم خوب است.» حالا دو دختر سلمان هم آمده‌اند روی حیاط. با ماسک‌هایی که برای صورت‌های کوچک‌شان بزرگ و گشادند. دو دختر به نظر بسیار دلتنگ می‌آیند. روزهاست که از خانه بیرون نیامده‌اند و شریک قرنطینه‌ی اجباری پدر شده‌اند. پدر و مادری که نه می‌توانند دستی به مهر بر سرشان بکشند نه می‌توانند بوسه‌ای روی موهایی صاف و طلایی‌شان بنشانند. دور از هم در تنهایی و غربتی بسیار عجیب.

سلمان و مرضیه و دو دخترشان با فاصله از هم ایستاده‌اند. دو متر فاصله بین هر کدام‌شان است، در امتداد یک خط نامریی افقی. گویی رعایت این فاصله ملکه‌ی ذهنشان شده است. آیا بعدها می‌توانند این فاصله را از میان‌شان بردارند؟ سلمان دلش برای زن و بچه‌اش تنگ شده است: «به دیدن‌شان هم راضی هستم. خدا را شکر.» می‌خواهم حالا با مرضیه گفت‌وگو کنم. اما مرضیه اصرار می‌کند: «نه برید خونه. از خونه بهم زنگ بزنید تا حرف بزنیم. دیگه صلاح نیست بیشتر اینجا بمونید. خدای نکرده مشکلی پیش بیاد...»

سلمان خسته شده است. گویی رمقی برایش نمانده است. تکیه داده است به دیوار آجرسفالی خانه. دیوار انگار عصایی شده است در دستان سلمان. مرضیه که اصرار به رفتن می‌کند، من بیشتر نمی‌مانم. سلمان در هال را باز می‌کند و می‌رود داخل خانه. دخترانش پشت سرش. من ازمرضیه خداحافظی می‌کنم. مرضیه می‌گوید: «در را باز کنید. بعد دستکش‌تان را بندازید توی سطل زباله. من می‌آیم در را می‌بندم.»

پشت در خانه، خواهر مرضیه می‌خواهد زنگ بزند. برای سلمان جوجه خروس خریده است. پاک کرده و شسته و بسته‌بندی کرده است و حالا آورده است: «روزی که دوستان و آشنایان و اقوام فهمیدن سلمان کرونا گرفته تقریبا ارتباط همه با ما قطع شد. البته مردم تقصیری ندارند. اگر همه مطمئن بودند این بیماری کشنده نیست، می‌گیرند و خوب می‌شوند بحث فرق می‌کرد. مشکل اینجاست که می‌ترسند بیماری زمینه‌ای داشته باشند و خودشان خبر نداشته باشند بعد کرونا بگیرند و بمیرند.» راضیه ادامه می‌دهد: «با این همه، همه نگران حال سلمان بودند. زنگ می‌زدند و احوالش را می‌پرسیدند. دعا می‌کردند و می‌گفتند اگر با سلمان حرف زدیم سلام‌شان را به او برسانیم. اما ارتباط حضوری‌شان با ما قطع شده بود. سلمان که خدا را شکر از بیمارستان مرخص شد، دوباره ارتباط‌ها برقرار شد، البته نه مثل قبل، کم و محدود. البته با ما. با سلمان و خانواده‌اش نه.» شوهر خواهر مرضیه دم در خانه ایستاده است و با سلمان و مرضیه احوال‌پرسی می‌کند. خریدها را می‌گذارند توی حیاط. خداحافظی می‌کند و می‌آید کنار ماشین‌شان: «دلم برای سلمان خیلی تنگ شده است. فقط باجناقم نیست، رفیقم هم هست. دلم می‌خواهد زودتر خوب شود و بیاید همدیگر را ببینیم. خدا را شکر که به خیر گذشت. خدا را شکر که سلمان را از دست ندادیم. این روزهایی که در بیمارستان بستری بود برای ما مثل یک سال گذشت. خیلی رنج خوردیم.» شوهر خواهر مرضیه با ناراحتی سرش را تکان می‌دهد: «لعنتی بدمرضی است. حتی نمی‌تونیم به عیادت مریض بریم. آدم وقتی مریض می‌شه، «کم‌دل» میشه. دلش می‌خواد همه بیان دور و برش. دلش می‌خواد ببینه همه به فکرش هستن. اما این بیماری همه را از آدم دور می‌کنه. همه می‌ترسن. از خواهر و برادرهای مریض می‌ترسن چه برسه به خود مریض.»

با مرضیه تلفنی حرف می‌زنم: «برادر سلمان که خبر داد او را در بیمارستان بستری کرده‌اند، دنیا روی سرم خراب شد. تا چند ساعت نشسته بودم روی حیاط اصلا نمی‌دونستم باید چکار کنم. همش دعا می‌خوندم. تلفن قوم و خویش‌ها هم که خبر به گوش‌شون رسیده بود تمومی نداشت. همه می‌خواستن مطمئن بشن که شایعه نیست.» مرضیه هم خسته و کم‌حوصله است: «از من و دخترا برزگرم تست کرونا گرفتند که خدا را شکر منفی شد. آدم‌هایی هم که در روزهای اخیر سلمان را دیده بودند مثل برادرش و برادرم هم رفتن و تست کرونا دادن که اون‌ها هم منفی شدند. حوصله خودم و بچه‌ها سر رفته، دل‌مون می‌خواد بیاییم بیرون. دلم برای خیابون‌ها تنگ شده. بچه‌ها از بس تلویزیون نگاه کردند دیگه دلشون نمی‌خواد تلویزیون را روشن کنند. دیروز بهانه می‌گرفتن که بابا بیا ما را ببر بیرون. ببر خونه مادربزرگ. روزها خیلی کند می‌گذرند. خیلی دیر، خیلی سخت.» تنهایی امان مرضیه و بچه‌هایش را بریده است. مرضیه منتظر است سلمان دوباره آزمایش کرونا بدهد: «خواهر و برادرها می‌آمدند در خونه و از همون در خونه بهمون سر می‌زنن. تلفنی هم مرتب با هم در ارتباط هستیم. دلم می‌خواد زودتر جواب تست کرونای سلمان منفی بشه تا حداقل با ماشین دوری بزنیم.» صدای مرضیه پر از غم است پر از درد پر از بغض‌های فرو خورده: «به مردم بگین مواظب خودشون باشند. بهداشت و فاصله‌ی اجتماعی را رعایت کنند. توی پروسه‌ی این بیماری بیشتر از همه تنهایی آدمو زجر می‌ده» و بعد سکوتی طولانی. مرضیه به حرف میاد: «فقط تنهایی».

هرچه آمار افزایش یابد، مرگ‌ومیر هم افزایش می‌یابد

علیرضا مریدی*

در دو هفته اخیر آمار مبتلایان به بیماری کووید۱۹ در شهرستان افزایش پیدا کرده اما نشانه ورود ما به پیک بیماری نیست، چون بخش عمده‌ای از مبتلایان بستری نمی‌شوند و سرپایی هستند. افزایش بیماران در سیرجان می‌تواند به دلیل بیماریابی و افزایش تست‌ها باشد. این افراد بیشتر نزدیکان بیماران هستند و عمدتا هم نیاز به بستری ندارند. با این حال امکان دارد با کوچک‌ترین سهل‌انگاری به یک پیک وارد شویم و به همین دلیل باید پروتکل‌ها و ضوابط بهداشتی دقیقا رعایت شود.

با گذشت چندین ماه از شیوع بیماری کروناویروس، تمام مردم نسبت به خطرات این بیماری آگاه شده‌اند، اما همچنان شاهد بی‌احتیاطی از سوی بسیاری افراد هستیم. بسیاری مردم از مراقبت‌های بهداشتی و حفاظتی خسته شده‌اند، اما باید بدانند تا زمان پایان بیماری کرونا این مراقبت‌ها باید ادامه داشته باشد. مردم باید بدانند هرچه آمار مبتلایان افزایش یابد، مرگ‌ومیر ناشی از این بیماری هم افزایش می‌یابد و همه باید برای حفظ جان و سلامت خود و عزیزان‌شان نکات بهداشتی را رعایت کنند. مانند همیشه توصیه خودداری از حضور غیرضروری در سطح جامعه، رعایت فاصله اجتماعی با افراد جامعه، اجرای دستورالعمل‌های بهداشتی و استفاده از ملزومات حفاظتی از جمله ماسک و دستکش برای پیشگیری از شیوع کروناست. همچنین تعداد و مدت تماس در تجمع‌ها و ازدحام‌ها از شاخص‌هایی است که می‌تواند ایجاد نگرانی کند.

این تصور که با گرم شدن هوا ویروس از بین می‌رود، اشتباه است. ویروس نه ضعیف شده و نه از بین رفته بلکه کمی هم مسری‌تر شده است. باید بپذیریم هر کسی از خانه بیرون می‌آید، ماسک داشته باشد و فاصله‌گذاری اجتماعی را همچنان رعایت کند اما استفاده از ماسک در مکان‌های بسته و تجمعات الزامی است. حتماً لازم نیست از ماسک N ۹۵ استفاده شود، می‌توان از ماسک‌های پزشکی و حتی پارچه‌های تمیز نیز استفاده نمود.

در حال حاضر افراد بالای ۱۵ سال از طریق تماس با شماره تلفن ۴۰۳۰ توسط مراقبان سلامت مراکز بهداشتی مدام غربالگری می‌شوند. در فاز اول غربال‌گری ۸۷٪ جمعیت شهرستان غربال شدند. در این طرح، تمرکز ویژه‌ای بر بررسی وضعیت مبتلایان، بیماری‌های زمینه‌ای و زنان باردار وجود دارد و این افراد تقریبا هر هفته یک بار غربالگری می‌شوند.

توصیه‌های بهداشتی

۱- فقط برای کارهای ضروری آن هم با ماسک از خانه بیرون بروید.

۲- شست‌وشوی مداوم دست‌ها

۳- خطر انتقال ویروس کرونا در فضاهای محصور و سربسته مانند دفاتر، اماکن تجمعی، سالن‌های سینما یا تئاتر بسیار بالاست. لذا پوشیدن ماسک، رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی، تهویه مناسب و محدود نمودن زمان ماندن در این مکان‌ها ضرورت دارد.

۴- گندزدایی مستمر سطوح در محیط‌های اداری و تجمعی.

۵- افراد مبتلا با تست مثبت (سرپایی و یا ترخیص شده از بیمارستان) بایستی به مدت ۲ تا ۳ هفته بعد از تست با رعایت پروتکل‌های بهداشتی در منزل یا مکانی مناسب قرنطینه شوند.

*معاون فنی معاونت بهداشتی دانشکده علوم پزشکی سیرجان

به یک نفر شاگرد جهت لوله‌کشی ساختمان نیازمندیم
۰۹۱۳۵۹۹۱۸۶۶

یک عدد فر ساندویچی به فروش می‌رسد.
۰۹۱۳۰۸۲۳۸۰۵
۰۹۱۶۲۴۷۲۱۷۸

یک ویلا (ساختمان و استخر شیک) حدودا ۶۰ قصب به فروش می‌رسد
۰۹۱۹۵۵۰۶۴۱۷

املاک توکل
خرید فروش، رهن اجاره
۰۹۱۳۵۹۸۹۴۳۵
میدان آزادی

به یک شاگرد فنی نیازمندیم
۰۹۱۳۵۲۴۵۰۳۳

به یک خانم تنها جهت انجام امور منزل به صورت دائمی (با محل سکونت) نیازمندیم
۰۹۱۹۵۵۰۶۴۱۷

شرکتی فعال واقع در منطقه ویژه اقتصادی سیرجان به یک نفر نیروی اداری آقا با شرایط ذیل نیازمند می‌باشد:
۱-تسلط کامل به word- excel
۲- لیسانس کامپیوتر، مدیریت یا صنایع
شماره تماس: ۰۳۴-۴۲۳۸۲۰۷۰

از دونفر آقا و یک خانم با حقوق و مزایای عالی جهت کار در فروشگاه دعوت به همکاری می‌شود.
۰۹۲۱۰۹۸۴۵۸۴ -۰۹۱۳۷۳۱۳۱۳۵

برگ واگزاری بنیاد مسکن به نام محمد رضا خراسانی به شماره پلاک: ۲۳۱۲ اصلی/۳۶ فرعی قطعه شماره ۳۶ مفقود گردیده از یابنده تقاضا می‌شود با این شماره تماس بگیرد ۰۹۱۳۶۳۶۶۹۷۸ در غیر این صورت از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

برگ سبز، کارت خودرو، برگ کمپانی و بیمه خودرو پراید مدل ۹۳- تیپ SE۱۳۱ به شماره شاسی: NAS411100E1071790 و شماره پلاک: ایران ۱۱-۴۳۵ د ۳۷ و شماره موتور: ۵۲۱۲۹۶۰ به نام روح‌الله ادب به کد ملی: ۰۰۵۱۱۶۲۸۹۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

جواز حمل سلاح دولول کناره هم کوسه ساخت آلمان به شماره: ۱۵۵۹۷۸ به نام محمد خواجویی‌سیرجانی به شماره ملی ۳۰۷۰۸۹۸۹۱۲ مفقود گردیده از یابنده تقاضا می‌شود با این شماره تماس بگیرد ۰۹۱۹۷۶۸۴۶۷۸ در غیر این صورت از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

به تعدادی خودرو سمند دوگانه‌سوز مدل ۹۵ به بالا جهت سرویس‌دهی به شرکت‌های وابسته به گل‌گهر نیازمندیم.
۰۹۱۳۱۷۸۲۴۶۱
۰۹۱۳۳۴۵۶۷۵۵ مکی‌آبادی

شرکت سولیکو کاله واحد لبنیات
از تعدادی فروشنده حضوری خانم / آقا با شرایط زیل و مزایای عالی دعوت به همکاری می‌نماید
-حداقل مدرک تحصیلی فوق دیپلم
- حداکثر سن ۳۵ سال
- دارا بودن کارت پایان خدمت جهت متقاضیان آقا
مراجعه حضوری: سیرجان، چهارراه سپاه خیابان شریعتی، مجتمع زیتون، طبقه ۴، واحد۸
۰۹۱۶۷۱۴۵۵۶۰ -۰۳۴-۴۲۲۳۰۸۵۷

همه با هم کرونا را شکست می‌دهیم
کلینیک دندانپزشکی مهرگان
Mehregan Dental Clinic
کاشت دندان
ایمپلنت
درمان ریشه
لمینیت
عصب کشی
روکش فول سرامیک
زیبایی و سفید کردن دندان با استفاده از لیزر
ترمیم
جرم‌گیری
جراحی
دندانپزشکی کودکان
جراحی دندان عقل
رعایت اصول پیشگیری از انتقال ویروس کرونا مطابق با استانداردهای جهانی
مجهز به اتاق استریل مرکزی
استفاده از پک‌های یک‌بار مصرف برای بیماران به صورت مجزا
مجهز به رادیولوژی دیجیتال دندانی
عمومی
شبانه‌روزی
تخصصی
نشانی: سیرجان - خیابان شریعتی - کوچه اعلاء (حاج رشید) کوچه جنب بهزیستی
تلفن: ۴۲۲۰۳۱۷۱ - ۴۲۲۰۳۱۷۲
mehrgan_dental_clinic